



# برای همه

• اکرم کشایی • تصویرگر: نگین حسین زاده

امروز صبح که از خواب بیدار شدم، نگاهم به پرنده‌ی توی نقش قالی افتاد. پرنده کنار یک گل نارنجی بافته شده بود. پرنده غمگین بود. به قالی نگاه کردم هیچ پرنده‌ی دیگری در نقش قالی نبود. فهمیدم چرا پرنده غمگین است. من هر روز برای همه دعا می‌کنم تا خدا به آن‌ها کمک کند و به آرزوهایشان برسند. امروز وقتی برای پدر و مادرم، خواهرم، دوستانم، معلمم، مورچه‌های توی حیاط، درخت سر کوجه... دعا کردم؛ برای پرنده‌ی قالی هم دعا کردم. وقتی به خانه برگشتم، یک گنجشک لب پنجره نشسته بود و جیک جیک می‌کرد. به پرنده‌ی قالی نگاه کردم، انگار یک دوست پیدا کرده بود و دیگر غمگین نبود.

